

فلسفه نظری تاریخ از دیدگاه قرآن

(نقد دیدگاه شهید صدر)

سید ضیاء الدین میر محمدی *

چکیده

مطالعه و تحلیل انتقادی تئوری سنت تاریخی قرآن در حیطه مسائل فلسفه نظری تاریخ است. هدف مقاله حاضر، بررسی تحلیلی و انتقادی تئوری شهید صدر درباره سنت تاریخی قرآن است. هم‌چنین تبیین ساختارها و قالب‌ها، و صفات و ویژگی‌های سنن و قوانین تاریخی قرآن و نیز تحلیل اشکال و چهره‌های سنن و قوانین تاریخی، از دیگر اهداف مقاله است.

واژه‌های کلیدی: تاریخ، فلسفه نظری تاریخ، سنت تاریخی، قانون تاریخی، مدل تاریخی و قضیه تاریخی.

مقدمه

پژوهش‌های فلسفی تاریخ با توجه به کاربرد متفاوت واژه تاریخ و رویکرد معرفتی (نوع اول و دوم) به دو شاخه معرفتی «فلسفه نظری یا جوهری تاریخ»^۱ و «فلسفه تحلیلی یا انتقادی تاریخ»^۲ تقسیم می‌شود.

فلسفه نظری یا جوهری تاریخ، معرفتی درجه اول است که پدیده‌ها و وقایع گذشته تاریخی را مورد مطالعه و پژوهش فلسفی قرار می‌دهد تا روند و سیر کلی حرکت تاریخی را تعریف، معین و قانون‌مند سازد. فلسفه نظری تاریخ به عالم واقع پدیده‌های تاریخی ناظر

کارشناس ارشد و پژوهشگر تاریخ اسلام.

1. Substantive or Speculative Philosophy of History.
2. Analytical or Critical Philosophy of History.

است و فراتر از عقلانیتی که پژوهش‌های متداول تاریخی انجام می‌دهند، به دنبال ماهیت عمومی و فرآیند کلی حرکت تاریخی است.^۱

فلسفه تحلیلی یا انتقادی تاریخ، معرفتی درجه دوم است که علم تاریخ و تاریخ‌نگاری روش عقلانی بررسی می‌کند و به ابعاد فلسفی، منطقی و معرفت‌شناسانه علم تاریخ می‌پردازد و توصیف، توجیه و تبیین علمی از علم تاریخ ارائه می‌دهد. فلسفه تحلیلی یا انتقادی تاریخ به دنبال کشف و درک توانایی و ناتوانی علم تاریخ است تا موجب ارتقای کیفی و علمی تاریخ شود. تحلیل فلسفی تاریخ‌نگاری و راه‌کارهای منطقی و راهبردهای علمی که در پژوهش تاریخی است، از وظایف فلسفه تحلیلی یا انتقادی تاریخ است.^۲

این دو شاخه معرفتی فلسفه تاریخ به لحاظ «موضوع‌شناسی»،^۳ «روش‌شناسی»^۴ «غایت‌شناسی»^۵ تفاوت‌ها و تمایزهای زیرساختی مهمی دارند که در بعد تمایز موضوعی مواردی، همچون تمایز در نوع معرفت،^۶ تمایز واژه‌ای، تمایز سنخ‌شناسی،^۷ تمایز علم پیشینی و پسینی و تمایز مسئله‌ای می‌توان اشاره کرد.^۸

در بعد روش‌شناسی، فلسفه نظری یا جوهری تاریخ علاوه بر استفاده از روش تعقلی، از روش‌های مطالعه تطبیقی و تجربی آثار پدیده‌های تاریخی و تمدن‌ها، روش‌های تکنیک مشاهده اسناد، شواهد و آثار تاریخی بهره می‌برد که این گونه روش‌ها در فلسفه تحلیلی یا انتقادی تاریخ موضوعیتی ندارند.

در بعد غایت‌شناسی نیز غایت در فلسفه نظری یا جوهری تاریخ، اثبات قوانین حاکم بر پدیده‌ها و تحولات تاریخی و نیز دریافت سیستم و فرآیندی است عام به لحاظ نگرش در

۱. پل ادواردز، مجموعه مقالات فلسفه تاریخ، ص ۲؛ نوذری، فلسفه تاریخ، روش‌شناسی و مکاتب تاریخ‌نگاری، ص ۲۴-۲۵؛ سروش، فلسفه تاریخ، ص ۲۴-۲۵.
 ۲. نوذری، همان، ص ۲۴-۲۵؛ مایکل استفورد، درآمدی بر فلسفه تاریخ، ص ۲۲ و ۲۴-۲۵.

3. Object.
4. Methodology.
5. teleology.
6. epistemologic.
7. typology.

۸. برای مطالعه بیشتر درباره فلسفه نظری یا جوهری تاریخ و تمایز آن با فلسفه تحلیلی یا انتقادی تاریخ ر.ک: سیدضیاءالدین میر محمدی، «واگرایی و تمایز فلسفه نظری تاریخ و فلسفه علم تاریخ»، فصلنامه حوزه و دانشگاه، شماره ۴۲.

۱۲۸۹

قانون‌مداری و قانون محوری تاریخ. اما غایت در فلسفه تحلیلی یا انتقادی تاریخ، اثبات علمیت علم تاریخ و کنترل و مدیریت علمی بر علم تاریخ و تاریخ‌نگاری است تا اصول و مبانی زنگارش علمی در تاریخ در یک سیستم معرفتی روشن‌مند، منطقی و نظام‌مند شناسایی شود.

فلسفه تاریخ در قرآن

در زنگارش و نگارش تاریخی از دیدگاه قرآن، اصول فلسفه نظری یا جوهری تاریخ و حتی اصول کلان از فلسفه تحلیلی یا انتقادی تاریخ قابل استنباط و استخراج است. رویکرد قرآن به تاریخ و فلسفه تاریخ (هر دو شاخه معرفتی) رویکردی وقایع‌نگرانه و توصیفی محض نیست بلکه رویکرد قرآن در مطالعات تاریخ پژوهی، ارائه مدلی مبتنی بر روش حکمت و عقل تاریخی و روش هرمنوتیکی و تأویلی است.^۱

اصول کلان تاریخی‌نگری و تاریخ‌نگاری قرآن با اصول کلان تاریخ بشری تفاوت‌ها و تمایزهای ماهوی دارد که به لحاظ روش، فن و اسلوب و حتی جهان‌بینی تاریخی تمایزهای بسیار جدی با تاریخ دست‌نوشته بشری دارد.

در فلسفه نظری یا جوهری تاریخ از دیدگاه قرآن، به اصول کلانی همچون اصل آزادی و اصل انسان در تاریخ، اصل ترقی و تکامل در تاریخ و اصل اصالت عمل در تاریخ می‌توان اشاره کرد.^۲

در فلسفه تحلیلی یا انتقادی تاریخی از دیدگاه قرآن، به اصول کلان نگارش علمی و فن اصل بی‌نظری و بی‌غرضی در تاریخ، اصل توحید در تاریخ،^۳ اصل ترکیب در تاریخ^۴ و اصل مردم‌محوری در تاریخ^۵ می‌توان اشاره نمود.^۶

۱- حضرتی، تأملاتی در علم تاریخ و تاریخ‌نگاری اسلامی، ص ۱۱۹-۱۲۲.
۲- مطالعه بیشتر در زمینه اصول کلان فلسفه نظری تاریخ از دیدگاه قرآن ر.ک: عزت‌الله رادمشن، *مبانی تاریخی و تجددگرایی تاریخی*، فصل مکتب تاریخی قرآن.
۳- عبید در تاریخ، یعنی توجه به کلیت پدیده‌های تاریخی در تحلیل تاریخی و تاریخ‌نگاری، و عدم جزئیت و حالت انفرادی پدیده‌های تاریخی، و نیز تاریخ‌نگاری را امری فراتر از دایره فرد، قوم و ملت دیدن، که این یک اصل فلسفه علمی تاریخ است.
۴- عبید در تاریخ از نظر قرآن به این معناست که در تحلیل پدیده‌های تاریخی از دانش‌های کمکی (فرد و از علومی، مثل جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، انسان‌شناسی و ... بهره برده شود.
۵- مردم‌محوری تاریخ از دیدگاه قرآن بیان‌گر این معناست که موضوع تاریخ‌نگاری در قرآن به



تبیین دیدگاه قرآنی شهید صدر

شهید صدر در بررسی تحلیلی از مفاهیم قرآنی به بیان تئوری سنت‌های تاریخی در می‌پردازد. موضوعات و مسائل مطرح شده در تئوری سنت‌های تاریخی، مسائلی هستند که در فلسفه نظری تاریخ به آن‌ها اهتمام می‌شود. ایشان سنت‌های تاریخی را در قرآن مفاهیمی می‌داند که به بیان قانون‌مندی تاریخ، مسیر حرکت تاریخ و غایت حرکت تاریخ می‌پردازند. در این زمینه، مدل و الگویی از فلسفه نظری تاریخ با رویکرد قرآنی ارائه می‌نماید.

هدف مقاله حاضر، مطالعه انتقادی دیدگاه‌های شهید صدر در زمینه فلسفه نظری تاریخ است که با رویکرد و نگرش قرآنی طرح کرده‌است. امتیاز ویژه و بزرگ طرح تئوری سنت‌های تاریخی از دیدگاه قرآن، ابتکار و نوآوری در تحلیل‌ها و نو بودن موضوع است که شهید صدر در زمینه فلسفه نظری تاریخ از دیدگاه قرآن در این زمینه پیشگام است و مطالبی که ارائه کرده جدید می‌باشد. قبل از ایشان کسی در زمینه فلسفه نظری تاریخ از دیدگاه قرآن مطالبی به این شیوه و محتوا و به لحاظ ساختاری و ویژگی بیان نکرده است.

شهید صدر مسائل مطرح در حیطه فلسفه نظری تاریخ را از دیدگاه قرآن، تحت عنوان تئوری سنت‌های تاریخی و در سه محور کلان و کلی «بیان ساختار و قالب قوانین و سنت‌های تاریخی در قرآن»، «بیان ویژگی و صفات قوانین و سنت‌های تاریخی در قرآن» و «چهره‌های قوانین و سنت‌های تاریخی در قرآن» تحلیل و بررسی کرده که به نقد و بررسی آن‌ها پرداخته می‌شود.



الف) ساختار و قالب قوانین و سنت‌های تاریخی قرآن

از نظر قرآن، میدان گسترده تاریخ با قوانین، قاعده‌ها و ضوابطی، هدایت و مدیریت می‌شود. در قرآن، اداره صحنه اجتماعی و تاریخی توسط قوانین و سنت‌های تاریخی، در سه ساختار و قالب کلی، مصداقی و کلی - مصداقی بیان شده است که شهید صدر با استناد به آیات

→ تاریخ‌نگاری سنتی (حاکمان و جنگ‌ها) منحصر نیست، بلکه مردم استوانه و محور اصلی گردش تاریخ در تاریخ‌نگاری قرآن می‌باشند.

۶. برای مطالعه بیشتر در زمینه اصول کلان نگارش علمی تاریخ یا اصول فلسفه تحلیلی یا انتقادی تاریخ از دیدگاه قرآن ر.ک: عزت‌الله رادمنش، همان، فصل مکتب تاریخی قرآن.

قرآن هریک از این ساختارها و قالب‌های سنت‌های تاریخی را به صورت جداگانه، تجزیه و تحلیل کرده‌است.^۱

۱. ساختار و قالب‌های کلی قوانین و سنت‌های تاریخی قرآن

مدلول کلی و مفاد آیات مربوط، بر ساختار کلان سنت‌های تاریخی و قوانین تاریخی دلالت دارد و حاکی از آن است که تاریخ از دیدگاه قرآن قوانین کلی و کلانی دارد که صحنه تاریخ به وسیله آن‌ها اداره و مدیریت می‌شود و این آیات، وجود قوانین علمی را بر تاریخ و پدیده‌های تاریخی نشان می‌دهند. شهید صدر آیاتی را که بر این ساختار کلی و ثابت دلالت دارند در سه محور کلی بررسی کرده است:

محور اول: اجل همگانی جامعه

ایشان به آیات مربوط به اجل همگانی امت و جامعه، ساختار کلی قوانین تاریخی را اثبات می‌کند.^۲ آیاتی که با استناد، استنباط و استخراج از آن‌ها اندیشه حاکمیت قانون بر تاریخ را مطرح می‌کند عبارت‌اند از:

لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ إِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ فَلَا يَسْتُخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ^۳؛ برای هر قوم و ملتی سرآمدی است؛ هنگامی که اجل آن‌ها فرارسد (و فرمان مجازات یا مرگشان صادر شود) نه ساعتی تأخیر می‌کنند و نه پیشی می‌گیرند.

و لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ^۴؛ برای هر قوم و جمعیتی، سرآمد و زمان (معینی) است، و هنگامی که سرآمد آن‌ها فرارسد، نه ساعتی از آن تأخیر می‌کنند و نه بر آن پیشی می‌گیرند.

مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَمَا يَسْتُخِرُونَ^۵؛ هیچ امتی بر اجل و سررسید حتمی خود پیشی نمی‌گیرد و از آن تأخیر نیز نمی‌کند.

۱. مباحث تئوری سنت‌های تاریخی در قرآن توسط شهید صدر در کتاب المدرسة القرآنية ارائه شده است.

۲. برای تفسیر آیات مورد نظر ر.ک: علامه طباطبایی، تفسیر المیزان، ذیل آیات مربوطه.

۳. بقره (۱۰) آیه ۴۹.

۴. اعراف (۷) آیه ۳۴.

۵. مازنون (۲۳) آیه ۴۳.

مفاد و مدلول این آیات فوق دلالت دارد که علاوه بر اجری فردی، اجل همگانی نیز
جوامع حاکم است و جامعه و امت نیز از نظر قرآن، مثل فرد دارای حرکت و پویایی است
سپس با از دست دادن این حرکت و پویایی گرفتار مرگ و نابودی می شود. همان گونه که هر
یک فرد تابع تأثیر قانون و سنتی است، امت ها و جوامع نیز اسیر و موعدی دارند که
قوانین و سنت های است. آیات یادشده به وضوح بر تئوری سنت تاریخ و حاکمیت قوانین
سنن بر تاریخ دلالت دارد.^۱

نقد و بررسی

به نظر می رسد به دلایل ذیل، استناد شهید صدر به این آیات برای اثبات قانون مندی
تاریخ صحیح نیست.

اول: آیات فوق به لحاظ منطوقی، مطابقی و تضمینی و حتی ظهورشان، بر اجل همگانی
و جامعه دلالت دارند و بیش از این میزان، دلالتی و مفادی ندارند و اصل اجل و موعد امت و
جامعه را اثبات می کنند؛

دوم: حتی دلالت مفهومی و التزامی آیات فوق نیز قانون مداری و قانون محوری تاریخ را
ثابت نمی کند، علاوه بر این، اگر قانون مندی تاریخ با دلالت التزامی قابل اثبات است، شهید
صدر هیچ تبیین و توضیحی در این زمینه ارائه نمی دهد؛

سوم: شهید صدر بین اجل امت و قانون مندی تاریخ، رابطه برقرار کرده و از اصل اجل
امت، به قانون مندی تاریخ می رسد، اما این منطق انتزاعی خود را بیان نکرده است؛

چهارم: شهید صدر در این آیات از محل و موضوع بحث تئوری سنت تاریخی قرآن،
خروج تخصصی و موضوعی دارد، زیرا به لحاظ تخصصی و موضوعی، بحث قانون مندی
تاریخ و اجل همگانی جامعه و امت، موضوعی تخصصی و جداگانه از همدیگر می باشند؛
پنجم: عدم مطابقت و سنخیت بین دلیل و مدعا، زیرا دلیل ایشان (اجل امت و جامعه)
اعم از مدعای (قانون مندی تاریخ) است.

بنابراین، با توجه به این نکته ها نمی توان از آیات مربوط به اجل امت و جوامع، تئوری کلی
قانون مندی تاریخ را به لحاظ ساختار و قالب کلی، استخراج و استنباط کرد.

۱. محمدباقر صدر، المدرسة القرآنیة، ص ۵۳-۵۴.

دومین محوری که شهید صدر با استناد به آن به اثبات ساختار و قالب تئوری‌های سنت تاریخی در شکل کلی می‌پردازد، کیفر دنیایی است. ایشان با تمسک به آیات زیر، ادعا دارد که از دیدگاه قرآن قوانین کلی بر سنت‌های تاریخی حاکم است:

وَرَبُّكَ الْغَفُورُ ذُو الرَّحْمَةِ لَوْ يُؤَاخِذُهُمْ بِمَا كَسَبُوا لَعَجَلْ لَهُمُ الْعَذَابَ بَلْ لَهُمْ مَوْعِدٌ لَنْ يَجِدُوا مِنْ دُونِهِ مَوْثِقًا * وَتِلْكَ الْأَفْرَىٰ أَهْلَكْنَاهُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَجَعَلْنَا لِمَهْلِكِهِمْ مَوْعِدًا^۱ و پروردگارت، آمرزنده و صاحب رحمت است؛ اگر می‌خواست آنان را به خاطر اعمالشان مجازات کند، عذاب را هر چه زودتر بر آنها می‌فرستاد؛ ولی برای آنان موعدی است که هرگز از آن، راه فراری نخواهند داشت * این شهرها و آبادی‌هایی است که ما آنها را هنگامی که ستم کردند هلاک نمودیم، و برای هلاکتشان موعدی قرار دادیم.

وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِمَا كَسَبُوا مَا تَرَكَ عَلَىٰ ظَهْرهَا مِنْ دَابَّةٍ وَلَكِنْ يُؤَخِّرُهُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى^۲؛ اگر خداوند مردم را به سبب کارهایی که انجام داده‌اند مجازات کند، جنبنده‌ای را بر پشت زمین باقی نخواهد گذاشت، ولی (به لطفش) آنها را تا سرآمد معینی تأخیر می‌اندازد.

در این دو آیه، سخن از کیفر دنیایی است و نتیجه طبیعی و قهری رفتار ناروا و ناهنجار دنیوی همانا کیفر دنیایی است؛ یعنی علاوه بر کیفر اخروی، اصل لزوم کیفری دنیایی، شقوقات نیز ثابت می‌شود. این‌ها همه منطق تاریخ و سنت تاریخ است و براساس این منطق دنیا عذابی بر جامعه وارد می‌شود که به سبب رفتار زشت و طغیان آنهاست.^۳

شهید صدر با استناد به آیات فوق ادعا می‌کند که تاریخ تحت قوانین و سنت‌های کلی است که به وسیله آنها اداره و هدایت می‌شود.

(۱۸) آیه‌های ۵۸-۵۹.

(۲۵) آیه ۲۵.

(۳) مفسر صدر، همان، ص ۵۳-۵۴.

در مجموع با توجه به دلایل زیر می‌توان گفت که مفاد آیات فوق، قانون‌مندی تاریخ اثبات نمی‌کند:

اول: دلالت و مفاد آیات از جهت مطابقی، منطوقی و همچنین ظهور آن‌ها، اصل لزوم کیفر دنیایی را اثبات می‌کند و بیش از این، برای آن‌ها دلالتی استنباط نمی‌شود؛
دوم: این آیات بر اثبات قانون‌مندی تاریخ، حتی دلالت مفهومی و التزامی ندارند، و این چنین التزام و دلالتی قابل اثبات باشد شهید صدر چنین تبیینی از آیات فوق ارائه نداده است؛
سوم: اثبات اصل لزوم کیفر دنیایی چه رابطه منطقی و مفهومی با قانون‌مندی تاریخ دارد که شهید صدر با اصل کیفر دنیایی، قانون‌مندی تاریخ را نتیجه می‌گیرد؟ علاوه بر این، ایشان این رابطه را مشخص و بیان نکرده است؛

چهارم: موضع و نزاع در آیات فوق به لحاظ مدلول و مفاد، یک سنت و قاعده الهی است اما شهید صدر از محل بحث خروج تخصصی و موضوعی دارد، زیرا بحث تخصصی کیفر دنیایی با اثبات قانون‌مندی و قانون‌مداری تاریخ، ارتباطی ندارد. علاوه بر این، دلیلی ارائه نکرده است که چگونه از مقام ثبوت و اثبات یک اصل و قاعده الهی به نام کیفر دنیایی، به مقام ثبوت و اثبات قانون‌مندی تاریخ رسیده است؛

پنجم: اگر چه این آیات بر اصل لزوم کیفر دنیایی دلالت دارند، اما مصداقی از قوانین تاریخی از آیات فوق قابل اثبات نیست تا به وسیله استقرای تاریخی به آن تعمیم داده شود. بنابراین، دلالت و مدلول آیات فوق از محل و موضع بحث قانون‌مندی تاریخ از دیدگاه قرآن خروج تخصصی و موضوعی دارند.

محور سوم: نابودی جامعه‌ها بر اثر طرد پیامبران

محور سوم که شهید صدر با استناد به آن، قوانین تاریخی را از دیدگاه قرآن در ساختار و قالب کلان استفاده کرده، محور نابودی جوامع بر اثر طرد پیامبران است. ایشان آیه زیر را دلیل بر ساختار کلی و قالب کلان سنت‌های تاریخی از دیدگاه قرآن می‌داند:

وَإِنْ كَادُوا لَيَسْتَفِزُّوكَ مِنَ الْأَرْضِ لِيُخْرِجُوكَ مِنْهَا وَإِذًا لَا يُلْبِثُونَ خَلْقَكَ إِلَّا قَلِيلًا *



سُنَّةٌ مَنْ قَدْ أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنْ رُسُلِنَا وَلَا تَجِدُ لِسُنَّتِنَا تَحْوِيلًا؛^۱ و نزدیک بود (با نیرنگ و توطئه) تو را از این سرزمین بلغزانند تا از آن بیرونت کنند، و هرگاه چنین می کردند، (گرفتار مجازات سخت الهی شده، و) پس از تو جز مدت کمی باقی نمی ماندند * این سنت (ما در مورد) پیامبرانی است که پیش از تو فرستادیم، و هرگز برای سنت ما تغییر و دگرگونی نخواهی یافت.

آیه شریفه بر این مفهوم کلی تأکید می کند که هیچ تغییر و دگرگونی در سنت و آیین خداوندی پیدا نمی شود، و این سنتی است که پیامبران پیشین نیز داشته اند. طرد، اخراج، مبارزه و مخالفت با پیامبران باعث خواهد شد که مخالفان دیری نخواهند پایید و از بین خواهند رفت و آیه شریفه، یکی از سنت های تاریخی را مطرح می کند.^۲

شهید صدر با تبیین فوق، آیه را دلیلی بر قانون مندی تاریخ در ساختار و قالب کلی می داند و به واسطه این آیه، حاکمیت قانون را بر تاریخ از دیدگاه قرآن مطرح و اثبات می نماید.

نقد و بررسی

با توجه به دلایل زیر، استدلال ایشان قابل تأمل و امعان نظر است:

اولاً: مدلول و مفاد آیه، مثل آیات قبلی ظهور و دلالتی بر قانون مندی تاریخ ندارد. مدلول مطابقی، منطوقی و تضمینی آیه فقط بر نابودی جوامع بر اثر طرد پیامبران دلالت دارد و بیش از این، دلالتی قابل استخراج و استنباط نیست؛

دوم: دلالت مطابقی آیه، عدم تغییر و تبدیل در سنت الهی است، اما بین عدم تغییر در سنت الهی و ثبوت قانون مندی تاریخ رابطه منطقی یا تلازم منطقی، وجود ندارد؛

سوم: شهید صدر از سنت الهی در آیه، سنت تاریخی را نتیجه گرفته، حال آن که عدم تغییر در سنت الهی الزاماً به معنای عدم تغییر در سنت تاریخی و ثبوت قانون تاریخی نیست، و این نتیجه گیری نیازمند دلیل و منطق قوی است که ایشان ارائه نداده است؛

چهارم: موضع بحث در آیه فوق، اثبات اصل طرد جوامع بر اثر طرد پیامبران است و این را به لحاظ موضوعی با بحث قانون مندی تاریخ، تباین تخصصی دارد؛

۱- آیه های ۷۶-۷۷.

۲- مطابقت صدر، المدرسة القرآنية، ص ۵۳-۵۵.

پنجم: التزام ضمن خارج و دلالت مفهومی آیه، بر ثبوت قانون مندی تاریخ دلالت دارد.
شهید صدر از راه دلالت التزامی و مفهومی هم به اثبات مدعای خود نپرداخته است.

۲. ساختار و قالب مصداقی قوانین و سنت‌های تاریخی قرآن

آیاتی که سنت و قانون تاریخ را در قالب مصداقی بیان می‌کنند دومین قسم از قالب‌ها و ساختارهای سنن و قوانین تاریخی است که شهید صدر با بیان آن‌ها و با استناد به آیات مربوط به اثبات قوانین تاریخی از دیدگاه قرآن می‌پردازد.

ایشان ساختار و قالب مصداقی قوانین تاریخ را در سه محور و سه بعد سنت‌های ملل پیشین، عدم استثنا در سنت تاریخ و مبارزه پیامبران با خوش‌گذرانان بررسی و تحلیل می‌کند.

محور اول: سنت‌های ملل پیشین

شهید صدر در محور اول با استناد به آیات زیر که بر وجود سنت‌ها در ملل پیشین دلالت دارند، به اثبات سنت‌ها و قوانین حاکم بر تاریخ در قالب مصداقی می‌پردازد:

قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ؛^۱

پیش از شما سنت‌هایی وجود داشت، پس در روی زمین، گردش کنید و ببینید سرانجام تکذیب‌کنندگان (آیات خدا) چگونه بود؟

وَلَقَدْ كَذَّبْتَ رَسُولٌ مِّن قَبْلِكَ فَصَبِرُوا عَلَىٰ مَا كُذِّبُوا وَأَوْدُوا حَتَّىٰ أَتَتْهُمْ نَصْرُنَا وَلَا

مُجِدِّلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ وَلَقَدْ جَاءَكَ مِنْ نَّبِيِّ الْأَمْزَلِينَ؛^۲ پیش از تو نیز پیامبرانی تکذیب

شدند، و در برابر تکذیب‌ها صبر و استقامت کردند و (در این راه)، آزار دیدند تا

هنگامی که یاری ما به آن‌ها رسید (تو نیز چنین باش، و این یکی از سنت‌های الهی

است) و هیچ چیز نمی‌تواند سنن خدا را تغییر دهد، و اخبار پیامبران به تو رسیده

است.

شهید صدر آیات فوق را به عنوان شاهی برای قالب‌ها و ساختارهای قوانین و سنن

تاریخی که در شکل مصداقی بیان شده‌است، می‌آورند و به نظر ایشان آیات فوق، هم بر

۱. آل عمران (۳) آیه ۱۳۷.

۲. انعام (۶) آیه ۳۴.



سنت‌ها و قوانین تاریخ تأکید دارند و هم بر پی‌گیری و پژوهش حوادث تاریخی به منظور استخراج آن سنن و قوانین که به صورت قانون و سنتی تاریخی بر پیامبران پیشین و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جاری بوده‌است.

به اعتقاد شهید صدر خدا پیام و کلمه‌ای دارد که در طول تاریخ هیچ‌گونه تغییر و تبدیلی در آن راه ندارد و بر همین اساس، مدعی اثبات قانون‌مندی تاریخ است.^۱
نقد و بررسی

بر این نظریه شهید صدر و استناد ایشان به آیات فوق، نکته‌های زیر، قابل تأمل و دقت نظر است:

نکته اول: مدلول آیات فوق از حیث دلالت مطابقی و منطوقی، بیان‌گر وجود سنت‌هایی الهی در امت‌های پیشین است و توصیه به عبرت و تفکر در این سنن، موجب استنباط انحصار سنت تاریخی از آن‌ها نمی‌شود؛

نکته دوم: وجود سنت در امت‌های پیشین و توصیه قرآن کریم به تفکر و تدبر در آن سنت‌ها هیچ دلالت مطابقی و تضمینی و التزامی بر ثبوت تئوری سنت تاریخی و قوانین تاریخی ندارد؛ به عبارتی لازمه وجود سنت در امم پیشین، بیان‌گر اثبات قانون‌مندی تاریخ نیست؛

نکته سوم: در استناد به آیات فوق، دلیل اعم از مدعاست و با اثبات سنن در امم پیشین، قانون‌مندی و قانون‌مداری تاریخی به اثبات نمی‌رسد؛

نکته چهارم: از عدم تغییر و تبدل در کلمات الهی، ثبوت سنت تاریخی و قانون تاریخی برای پدیده‌های تاریخی استفاده نمی‌شود، زیرا عدم تغییر در سنن الهی و کلمات الهی، سنتی اعم از سنت تاریخی است؛

نکته پنجم: ادله شهید صدر در استناد به آیات فوق برای اثبات قانون‌مندی تاریخ در اختیار و قالب مصداقی، تخصصاً با موضوع بحث، ارتباطی ندارد.

پاور دوم: عدم استثناء در سنت تاریخ

مخبر دومی که به اعتقاد شهید صدر بر ساختار و قالب مصداقی سنت‌ها و قوانین تاریخی

محمدباقر صدر، المدرسة القرآنية، ص ۶۱-۶۲

از دیدگاه قرآن دلالت دارد، موضوع عدم استثنا در سنت تاریخ است که ایشان با استناد به زیر به بررسی و اثبات آن می‌پردازد:

أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسْتَهْمِكُمْ الْيَاسِرِينَ وَالصَّرَّاءِ وَزُلْزِلُوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصُرُ اللَّهُ أَلا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ؛^۱ آیا گمان کردید داخل بهشت می‌شوید بی آن که حوادثی همچون حوادث گذشتگان به شما برسد؟! همانان که گرفتاری‌ها و ناراحتی‌ها به آن‌ها رسید و آن‌چنان ناراحت شدند که پیامبر و افرادی که ایمان آورده بودند گفتند: پس یاری خدا کی خواهد بود؟» (در این هنگام، تقاضای یاری از او کردند و به آن‌ها گفته شد آگاه باشید یاری خدا نزدیک است.

شهید صدر مدعی است که آیه فوق بر قانون‌مندی تاریخ دلالت دارد و به واسطه این آیه ساختار و قالب مصداقی سنن تاریخی را بیان می‌کند. ایشان از این عدم استثنا در سنت تاریخ، قانون‌مندی تاریخ را استنباط می‌کند و پیروزی و یاری خداوند را سنت و قانون تاریخ می‌داند که منطق تاریخ در آن جاری است.^۲

نقد و بررسی

این استدلال شهید صدر نیز به دلایل زیر، مخدوش است:

اولاً: دلالت آیه به دلالات سه‌گانه (مطابقی، تضمینی و التزامی)، و ظهور و نص آیه و حتی دلالت مفهومی هیچ ارتباطی به ثبوت قانون‌مندی تاریخ ندارد. موضوع بحث در آیه، عدم ورود به بهشت است بدون آزمایش الهی و بدون درک زحمات و مشقات، بنابراین، دلالت مطابقی و منطوقی بر اثبات قانون‌مندی تاریخ از دیدگاه قرآن ندارد؛

دوم: آیه مربوطه، اعم از مدعای شهید صدر است و هیچ رابطه منطقی یا تبیین منطقی بین آیه مربوطه و ثبوت قانون‌مندی تاریخ وجود ندارد؛

سوم: موضوع آیه، سنت تاریخی به لحاظ ثبوت قانون‌مندی تاریخ نیست، بلکه آیه اشاره به سنت الهی دارد و انصراف سنت تاریخی از آن قابل درک مطابقی و التزامی نیست؛
چهارم: آیه مورد بحث، از طرف شهید به عنوان دلیلی بر ساختار و قالب مصداقی قوانین



۱. بقره (۲) آیه ۲۱۴.

۲. محمدباقر صدر، المدرسة القرآنية، ص ۶۲-۶۳.

تاریخی ارائه شده است، در حالی که موضوع بحث در آیه، مصداقی و تشخص صرف خارجی نیست.

بنابراین با استدلال به آیه فوق، قانون مداری تاریخ در قالب و ساختار مصداقی تئوری سنت‌های تاریخی ثابت نمی‌شود.

محور سوم: مبارزه پیامبران با خوش‌گذرانان

شهید صدر در محور سوم برای اثبات ساختار و قالب مصداقی قوانین تاریخی، به آیات مبارزه پیامبران با خوش‌گذرانان استدلال می‌کند که از آن جمله، آیه زیر است:

وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ * وَقَالُوا نَحْنُ أَكْثَرُ أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ؛^۱ و مادر هیچ شهر و دیاری پیامبری بیم دهنده نفرستادیم مگر این که مترفین آن‌ها (که مست ناز و نعمت بودند) گفتند: «ما به آن چه فرستاده شده‌اید کافریم» * و گفتند: «اموال و اولاد ما (از همه) بیشتر است (و این نشانه علاقه خدا به ماست) و ما هرگز مجازات نخواهیم شد».

آیه فوق به و عم شهید صدر به سنت تاریخی و قانون تاریخی در قالب و ساختار مصداقی قوانین تاریخی اشاره دارد و به عقیده ایشان در طول تاریخ، رابطه‌ای بین مقام نبوت و موقعیت اعیان و اشراف وجود داشته است که این رابطه در حد نفی و تعارض بین موقعیت اجتماعی نبوت و موقعیت اجتماعی مترفان بوده است.^۲

نقد و بررسی

استدلال ایشان با آیه فوق، مثل دیگر استدلال‌هایی که برای ثبوت قوانین تاریخی در قالب و ساختار مصداقی سنن تاریخی ارائه کردند، ادعای ایشان را ثابت نمی‌کند. مفاد آیه از حیث دلالات سه‌گانه و از حیث دلالت التزامی و مفهومی بیان‌گر تثبیت قوانین تاریخی نیست و فقط به سنتی الهی در زمینه رابطه اجتماعی میان مقام نبوت و مقام مترفان اشاره دارد؛ به بیان دیگر، جایگاه موضوعی بحث این آیه با جایگاه موضوعی بحث سنت و سنن تاریخی به منطقی و موضوعی، سالبه به انتفای موضوع است.

۱ (۳۲) آیه ۳۲-۳۵.

۲ سبأ، صدر، المدرسة القرآنية، ص ۶۳-۶۴.

۳. قالب و ساختار مصداقی - کلی قوانین و سنت‌های تاریخی قرآن

سومین مورد از قالب‌ها و ساختارهای قوانین تاریخی، بیان عرضه آن‌ها در قالب و ساختار مصداقی - کلی است که از آن با عنوان استقرای تاریخی می‌توان یاد نمود. شهید صدر می‌کند که در نوع سوم قالب‌ها و ساختارهای سنن تاریخی، کاوش و مطالعه در حوزه تاریخی مطرح است و در پرتو مطالعه روی داده‌های تاریخی براساس استقرای تاریخی، سنن و سنن کلی حاکم بر تاریخ استنباط و استخراج می‌شود.^۱ آیاتی که به عنوان مستند خردی برای ثبوت مصداقی - کلی ساختار قوانین تاریخی بیان می‌کند عبارت‌اند از:

أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ دَمَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ
وَاللَّكَفِرِينَ أَهْمَلْنَا؛^۲ آیا در زمین سیر نکردند تا ببینند عاقبت کسانی که قبل از آنان
بودند چگونه بود؟ خداوند آن‌ها را هلاک کرد؛ و برای کافران، امثال این مجازات‌ها
خواهد بود.

أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ؛^۳ آیا در زمین سیر
نکردند تا ببینند عاقبت کسانی که پیش از آن‌ها بودند چه شد؟

و آیاتی دیگر در این زمینه که ایشان به آن‌ها استناد کرده است.
نقد و بررسی

مدلول مطابقی و منطوقی آیات فوق، سیر در زمین و نظاره کردن عاقبت سرانجام
آن‌هاست. در آیات فوق به تدبیر و نوعی استقرا توصیه شده است، اما این استقرا بر استقرای
تاریخی و ثبوت مصداقی - کلی قالب‌ها و ساختارهای سنن تاریخی دلالت نمی‌کند.
بنابراین، آیات فوق به لحاظ دلالت مطابقی، تضمینی و التزامی، دلیلی بر ثبوت ساختار
مصداقی - کلی قوانین تاریخی نیست و این امر و مفهوم، حتی از دلالت لازم خارج این آیات
نیز قابل درک و استنباط نیست.

از سیر در روی زمین و نظاره کردن عاقبت پیشینیان هر چند قواعد و ضوابطی می‌توان

۱. محمدباقر صدر، المدرسة القرآنية، ص ۶۶-۶۷.

۲. محمد (۴۷) آیه ۱۰.

۳. یوسف (۱۲) آیه ۱۰۹.



اما مزاج کرد، اما ظهور و نصوص این آیات هیچ‌گونه دلالتی بر اثبات قانون‌مندی تاریخ، آن هم در قالب و ساختار مصداقی - کلی ندارد.

بنابراین، استدلال به تمامی آیات توسط شهید صدر جهت اثبات قانون‌مندی تاریخ در سه محور «سنن و قوانین تاریخی در قالب و ساختار کلی»، «سنن و قوانین تاریخی در قالب مصداقی - کلی» و «سنن و قوانین تاریخی در قالب و ساختار مصداقی» به لحاظ دلالات سه‌گانه و دلالت التزامی و مفهومی و نصوص و ظهور آیات، استدلال‌هایی مخدوش است که رابطه منطقی و علمی میان ادعای ایشان و ادله ایشان دیده نمی‌شود؛ به عبارتی چنانچه تصریح شد تمامی ادله ایشان به لحاظ منطقی، اعم از ادعاهایشان می‌باشند.

ب) صفات و ویژگی‌های قوانین و سنت‌های تاریخی قرآن

دومین بحثی که ایشان در حیطه مسائل فلسفه نظری تاریخ از دیدگاه قرآن به آن می‌پردازد، بحث ویژگی‌های سنن و قوانین تاریخی است که در سه ویژگی «عام و فراگیری قوانین تاریخی»، «خدایی بودن سنن و قوانین تاریخی» و «اراده انسان در قوانین تاریخی» درباره آن‌ها بحث می‌کند.

۱. عام و فراگیر بودن سنت‌های تاریخی قرآن

اولین ویژگی که شهید صدر از دیدگاه قرآن برای قوانین و سنن تاریخی ذکر می‌کند، ویژگی عام، فراگیر و بی‌پای بودن سنت تاریخی است. به اعتقاد ایشان سنت‌های تاریخی از دیدگاه قرآن براساس رابطه‌ای مبتنی بر تضاد و اتفاق بنا نشده، بلکه موضوع و مفهوم آن‌ها بر محور قوانین کلی، حرکت می‌کند. تأکید بر طبیعت فراگیر و عام سنن تاریخی از دیدگاه قرآن، تأکید بر طبیعت علمی قوانین تاریخی است و طبیعت متوالی بودن و به هم پیوستگی سنن تاریخی دلیل بر طبیعت علمی قانون‌های تاریخی است.

شهید صدر با استناد به آیات زیر این صفت را برای سنن و قوانین تاریخی اثبات می‌کند:^۱

سَنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا...^۲ این سنت خداوند در

محمدباقر صدر، المدرسة القرآنية، ص ۶۹-۷۰ و همو، السنن التاريخية في القرآن الكريم، ص ۶۷-۶۸.
العراق (۳۳) آیه ۶۲

اقوام پیشین است، و برای سنت الهی هیچ گونه تغییر نخواهی یافت.

سُنَّةٌ مِّنْ قَدْ أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ وَ لَا تَجِدُ لِسُنَّتِنَا تَحْوِيلًا...^۱ این سنت (ما در صورت پیامبرانی است که پیش از تو فرستادیم؛ و هرگز برای سنت ما تغییر و دگرگون نخواهی یافت.

وَ لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ...^۲ و هیچ چیز نمی تواند سنن خدا را تغییر دهد...

به نظر ایشان این آیات همگی برویژگی عام و فراگیر سنن تاریخی دلالت دارند و بر قوانین تاریخی، طبیعت علمی می دهند.

نقد و بررسی

در استدلال و استناد ایشان به این آیه شریفه برای اثبات ویژگی عام و فراگیر قوانین تاریخی، نکته های ذیل قابل ملاحظه است:

اولاً: دلالت و مفاد مطابقی و ظهور و نصوص این آیات، عدم تبدیل و تحویل در سنت الهی و عدم تغییر در کلمات الهی است، و روشن است که به لحاظ منطقی، از عدم تغییر و تبدیل و تحویل سنت الهی، هیچ نتیجه ای برای اثبات ویژگی عام سنن تاریخی به دست نمی آید؛

ثانیاً: عدم تبدیل و عدم تحویل در سنت الهی به معنای ثبوت ویژگی عام قوانین تاریخی نیست، زیرا عدم تبدیل و عدم تحویل سنت خداوند امری فراتر از سنن تاریخی است. علاوه بر این، استلزام منطقی و دلالت التزامی هم بین آن ها وجود ندارد؛

ثالثاً: بین موضوع تخصصی آیات فوق با موضوع تخصصی ویژگی عام قوانین تاریخی هیچ رابطه منطقی و التزامی ندارد تا شهید صدر از لزوم عدم تبدیل و تحویل در سنن الهی، ویژگی عام و فراگیر سنن تاریخی را اثبات کند؛

رابعاً: ایشان مدعی است که ویژگی عام و فراگیر سنن و قوانین تاریخی بر طبیعت علمی قوانین تاریخی دلالت می کند، اما رابطه بین آن ها را به لحاظ منطقی بیان نکرده است. به بیان دیگر، ویژگی عام و فراگیر بودن، مدلول مطابقی و منطوقی آیات فوق نیست که طبیعت عامی از آن ناشی شود؛

۱. اسراء (۱۷) آیه ۷۷.

۲. انعام (۶) آیه ۳۴.

۱۳۰۲

خامساً: ایشان تأکید دارد که طبیعت قوانین تاریخی، طبیعت علمی است، اما نوع علم را تبیین نکرده که طبیعت علمی قوانین تاریخی از سنخ علوم تجربی است یا علوم منطقی و فلسفی. بنابراین، ظهور و نصوص آیات و دلالت آن‌ها مفید ویژگی عام و فراگیر سنت‌های تاریخی نیست و ایشان بایستی با استفاده از دلالت‌های التزامی و مفهومی این آیات، ویژگی عام و فراگیر بودن سنن تاریخی را ثابت می‌کرد که این گونه بیان نکرده‌است.

۲. خدایی بودن سنت‌های تاریخی قرآن

دومین حقیقتی که اشاره به ویژگی سنن و قوانین تاریخی دارد، صفت و ویژگی خدایی بودن سنت تاریخ است. از دیدگاه قرآن، سنت تاریخی، خدایی، مرتبط به خداوند متعال و قانونی از قوانین الهی است. به عقیده شهید صدر ویژگی خدایی بودن سنت تاریخ دلالت بر طبیعت غیبی، لاهوتی و تغییر الهی قوانین تاریخی ندارد، چرا که خداوند قدرت خود را از ره‌گذر همین سنت‌ها و قوانین اعمال می‌کند. این قوانین و سنن، همان اراده خداوند و نماینده حکمت و تدبیر حق تعالی است.

خدایی بودن سنت تاریخی به این معنا نیست که خداوند روی دادها و پدیده‌های تاریخی را عیناً به خود نسبت می‌دهد و از تباط و رابطه آن‌ها را با سایر روی دادها قطع می‌کند و حادثه و پدیده تاریخی را از سیاق و روند طبیعی جدا می‌سازد، بلکه خداوند متعال اراده خود را در سنن و قوانین تاریخی از طریق علل و عوامل طبیعی جاری می‌سازد. بنابراین، قانون طبیعت و قوانین تاریخی مستند به خدا هستند و خداوند آن‌ها را از طریق عوامل و قوانین طبیعی اجرا می‌کند، نه این که خداوند متعال مستقیماً و بی‌واسطه این قوانین تاریخی را انجام می‌دهد. به بیان دیگر، این که گفته می‌شود سنن و قوانین تاریخی از حوزه‌ی قدرت خداوند متعال خارج هستند، به این معنا نیست که این قوانین بی‌واسطه با قدرت خداوند پدید آمده باشند.^۱

شهید صدر در بیان مفهوم خدایی بودن سنت تاریخی، آیه خاصی را ذکر نمی‌کند تا به واسطه آن آیه به تحلیل محتوا و مطابقی آیه بپردازد، هر چند در قرآن کریم آیات متعددی هستند که حوزه قدرت خداوندی را تعیین و معین می‌سازند.

۱. طباطبائی، المدرسة القرآنية، ص ۷۱-۷۲ و همو، السنن التاريخية فی القرآن الکریم، ص ۶۸-۷۰.

۳. نقش اراده انسان در سنت‌های تاریخی قرآن

سومین ویژگی و حقیقتی که سنن و قوانین تاریخی دارند، حقیقت اراده، اختیار و آزادی انسان در تحولات و پدیده‌های تاریخی است. به نظر شهید صدر آزادی و اختیار انسان در قوانین و سنن تاریخی در تعارض و تضاد نیست.

از نظر ایشان توهم تناقض و تضاد بین تئوری سنت تاریخ یا قانون تاریخ و تئوری آزادی و اراده انسان، موضوعی است که قرآن کریم به آن پرداخته و حل و فصل نموده است و خداوند متعال به طور مؤکد بیان کرده که محور اساسی در حوادث و پدیده‌های تاریخی، اراده انسان است. پس طبق آیات قرآنی یک سلسله مواضع مثبت برای انسان است که در آزادی و تصمیم او جلوه‌گر است و این مواضع بر مبنای روابط سنن قوانین تاریخی نتایج لازم را دارد و معلول‌های مناسب را در پی دارد.^۱

آیاتی که شهید صدر برای اثبات نقش اراده و آزادی انسان در قوانین تاریخی به آن‌ها استناد می‌کند، عبارت‌اند:

إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ؛^۲ خداوند سر نوشت هیچ قوم (و ملتی) را تغییر نمی‌دهد، مگر این که آنان آن‌چه را در خود ساز است تغییر دهند.
وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَمُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقِينَهُمْ مَاءً غَدَقًا؛^۳ و اگر آن‌ها [= جن و انس] در راه (ایمان) استقامت ورزند، با آب فراوان سیرایشان می‌کنیم.

به نظر ایشان این آیات دلالت دارند که انسان در قوانین و سنن تاریخی دارای نقش و اراده و آزادی عمل است.

نقد و بررسی

در ارتباط با مفاد و مدلول آیات فوق بر نقش و اراده انسان در قوانین تاریخی، دلالتی مطابقی و منطوقی قابل استخراج و استنباط نیست. البته مفاد و مدلول آیات به آزادی عمل انسان اشاره دارد، اما این مسئله با آزادی عمل انسان در قوانین ثابت تاریخی ارتباطی ندارد و آن را اثبات نمی‌کند؛ به عبارتی انسان در اعمال و رفتارش آزاد است، اما مفاد و مدلول

۱. محمدباقر صدر، المدرسة القرآنية، ص ۷۴-۷۶ و همو، السنن التاريخية في القرآن الكريم، ص ۷۱-۷۲.

۲. رعد (۱۳) آیه ۱۱.

۳. جن (۷۲) آیه ۱۶.



مطابقتی و ظهور آیات، بیان‌گر ثبوت آزادی و اراده انسان در قوانین تاریخی نیست.

ج) چهره‌های قوانین و سنت‌های تاریخی در قرآن

طبق نظر و استدلال شهید صدر چهره و شکل سنت‌ها و قوانین تاریخی از دیدگاه آیات قرآن کریم، در سه شکل «سنت‌ها و قوانین تاریخی در چهره قضیه شرطی»، «سنت‌ها و قوانین تاریخی در چهره قضیه قطعی» و «سنت‌ها و قوانین تاریخی در چهره گرایش طبیعی» عرضه شده است که به توضیح و تبیین آن‌ها می‌پردازیم.

۱. سنت‌ها و قوانین تاریخی در شکل قضیه شرطی

اولین چهره و شکل قانون و سنت‌های تاریخی در قرآن عبارت است از چهره قضیه شرطیه یا مشروطه که در این حالت، سنت تاریخی و قانون تاریخی در شکل قضیه شرطیه نمایان می‌شود و روی داد و پدیده‌های تاریخی را در قالب و شکل قضیه مشروط بیان می‌کند و به وجود رابطه مشخصی میان جزا و شرط قانون تاریخی می‌پردازد. تحقق شرط قضیه قانون تاریخی، جزا و نتیجه آن قانون تاریخی را به دنبال خواهد داشت.

به اعتقاد شهید صدر بسیاری از سنن و قوانین تاریخی در قرآن به صورت قضیه مشروط بیان شده و جهان هستی در سطح قوانین و سنن تاریخی، براساس شرط و جزا پی‌ریزی شده است. منطق قرآن در بسیاری از سنن تاریخی، برقراری رابطه‌ای مشروط بین حوادث و روی دادهای تاریخی است.^۱ ایشان آیات زیر را دلیل بر وجود قضایای شرطی به عنوان چهره و شکلی از قوانین تاریخی می‌داند:

إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ^۲؛ خداوند سرنوشت هیچ قوم (و ملتی) را تغییر نمی‌دهد، مگر این که آنان آن چه را در خودشان است تغییر دهند.
وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَمُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقِينَهُمْ مَاءً عَذْقًا^۳؛ و اگر آن‌ها [= جن و انس] در راه (ایمان) استقامت ورزند، با آب فراوان سیرابشان می‌کنیم.

۱. محمدباقر صمدی، المدرسة القرآنیة، ص ۸۹ و ۹۰-۹۱ و همو، السنن التاریخی فی القرآن الکریم، ص ۸۳-۸۵.
۲. رعد (۱۳) آیه ۱۱.
۳. جن (۷۲) آیه ۱۶.



شهید صدر با استناد به دو آیه فوق، ادعا می‌کند که این آیات بر وجود قضیه مشروط بیان سنن و قوانین تاریخی دلالت دارند و به زبان قضیه مشروطه به بیان سنت‌ها و قوانین تاریخی پرداخته‌اند.^۱

نقد و بررسی

ادعای ایشان به دلایل زیر، قابل تأمل و دقت نظر است:

اول: این آیات، دلالت مطابقی دارند بر تغییر و تحول درونی، و پیرو آن، تغییر و دگرگونی در جامعه که این تغییر و تحول در قالب و شکل قضیه مشروط و به صورت شرط و جزا بیان شده‌است و مفاد آیه و ظهور و نص آیه بیش از این محتوا را اثبات نمی‌کند.

دوم: بیان قانون و سنت تاریخی در چهره قضیه شرطی فرع بر ثبوت قانون و سنت تاریخی است و چنان‌که قبلاً اشاره شد آیات فوق به لحاظ دلالت مطابقی و منطوقی قانون تاریخی اثبات نمی‌کنند تا پیرو آن، قانون تاریخی در قالب قضیه شرطیه ایجاد شود.

سوم: شهید صدر به قضیه شرطی‌ای که در آیات فوق، استدلال کرده، به لحاظ جایگاه و موضع بحث (قانون‌مندی تاریخ) خروج تخصصی و موضوعی دارد، زیرا جایگاه بحث در آن، قانون‌مندی تاریخ نیست تا به واسطه آن شکل شرطی قانون تاریخی اثبات شود.

بنابراین، مفاد منطوقی و دلالت مطابقی و تضمینی و ظهور و نص آیات فوق در اثبات چهره قضیه شرطی قانون و سنت تاریخی، مفید فایده نیست و حتی با استناد به دلالت التزامی و مفهومی، رابطه منطقی این آیات با ساختار شرطی قانون تاریخی از طرف ایشان تبیین و بیان نشده‌است.

۲. سنت‌ها و قوانین تاریخی در شکل قضیه قطعی

ساختار شکلی در قالب قضیه قطعی و محقق، دومین چهره‌ای است که از سنت و قوانین تاریخی در قرآن ارائه شده‌است. قضیه قطعی به معنای تحقق عملی است که انسان در مقابل این قضایای قطعی اختیاری ندارد و حتی امکان تعدیل سازی هم در آن قضایا وجود ندارد، زیرا این قضایا در قالب و ساختار محقق و مسلم، طرح‌ریزی شده‌است. قضایای قطعی در قالب یک امر قطعی از نظر زمانی و مکانی محقق می‌شوند. قضایای قطعی که سنن و قوانین

۱. محمدباقر صدر، المدرسة القرآنیة، ص ۹۰-۹۲ و همو، السنن التاریخی فی القرآن الکریم، ص ۸۳-۸۵



تاریخی در آن قالب و ساختار بیان شده است به اعتقاد شهید صدر در آیات قرآن قابل درک و فهم است.^۱

نقد و بررسی

نکته‌ای که در مورد ادعای شهید صدر مبنی بر بیان پاره‌ای از سنن و قوانین تاریخی در قالب و چهره قطعی می‌توان اظهار داشت، این است که ایشان به هیچ آیه‌ای که مدلول مطابقی و منطقی آن بر قوانین تاریخی در شکل قضیه قطعی، دلالت داشته استناد نمی‌کند، بلکه صرفاً ادعایی می‌کند و محل شاهی از آیات قرآن نمی‌آورد.

۳. گرایش طبیعی در سنت‌ها و قوانین تاریخی در قرآن

سومین چهره و شکلی که برای قوانین و سنت‌های تاریخی در قرآن کریم طرح شده است، چهره گرایش طبیعی سنن و قوانین تاریخی است که جریان تاریخ در آن مسیر و گرایش، حرکت می‌کند. یکی از آیاتی که ایشان برای اثبات چهره گرایش طبیعی سنن و قوانین طبیعی به آن‌ها استناد کرده، است:

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَیْمُ وَلَکِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا یَعْلَمُونَ^۲ پس روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن، این فطرتی است که خداوند انسان‌ها را بر آن آفریده؛ دگرگونی در آفرینش الهی نیست؛ این است آیین استوار، ولی اکثر مردم نمی‌دانند.

نقد و بررسی

استدلال به آیه فوق یکی از دلایلی است که شهید صدر آن را دلیل برگرایش طبیعی جریان و سنن تاریخی در قرآن می‌داند،^۳ اما استدلال به آیه فوق به لحاظ محتوی دلیل ایشان با اشکالات زیر مواجه است:

اول: این که تعریف معین و تبیین روشنی از گرایش طبیعی سنن و قوانین تاریخی ارائه نمی‌دهد و به نوعی ابهام تعریفی در ادعای ایشان است؛

محمدباقر صدر، المدرسة القرآنیة، ص ۹۶-۹۷ و همو، السنن التاریخی فی القرآن الکریم، ص ۸۸-۸۹

روم (۳۰) آیه ۳۰.

محمدباقر صدر، المدرسة القرآنیة، ص ۹۶-۹۷ و همو، السنن التاریخی فی القرآن الکریم، ص ۸۸-۸۹

دوم: مفاد مطابقی و ظهور و نص آیه، مربوط به دین حنیف، فطرت الهی و عدم تبدیل در خلق الهی است و آیه بر اثبات قانون تاریخی و به تبع آن، گرایش طبیعی قانون تاریخی دلالتی ندارد. چهره گرایش طبیعی قانون تاریخی، فرع بر ثبوت قانون تاریخی از آیه فوق است و آیه، دلالت مطابقی و منطوقی بر ثبوت قانون تاریخی ندارد؛

سوم: شهید صدر حتی با استدلال به مفهوم آیه و دلالت التزامی آیه، به اثبات گرایش طبیعی قانون تاریخی نمی‌پردازد، بلکه از راه دلالت لازم خارجی نیز تبیینی در زمینه اثبات گرایش طبیعی قانون تاریخی اقامه نمی‌کند.

نتیجه گیری

با مطالعه انتقادی و بررسی تحلیلی نظریه «تئوری سنت‌های تاریخی در قرآن» شهید صدر به نتایج زیر می‌توان اشاره کرد:

۱- مهم‌ترین ایراد محتوایی تئوری سنت‌های تاریخی در قرآن، عدم تعریف دقیق مفهوم قانون‌مندی تاریخ است که شهید صدر تعریفی از آن ارائه نمی‌دهد و به عنوان یک پیش‌فرض در نظر گرفته و حتی اشاره به نوع قانون‌مندی تاریخ نکرده است؛

۲- نظریه تئوری سنت‌های تاریخی در قرآن به لحاظ ادله منطقی با پیش‌فرض‌هایی روبه‌رو است که شهید صدر با در نظر گرفتن آن پیش‌فرض‌ها، نتیجه قطعی از آن‌ها استنباط و استخراج می‌کند. به عنوان مثال، ایشان تمامی احکام الهی قرآن کریم درباره سنن الهی را در سنن تاریخی جاری می‌داند و سنن تاریخی قرآن را دلیل بر قانون‌مندی تاریخ می‌داند. به عبارتی به تبیین رابطه منطقی سنن الهی، سنن تاریخی و قانون‌مندی تاریخ نمی‌پردازد و همه آن‌ها را مترادف و هم‌سان تلقی می‌کند که در تحلیل آیات مورد مستند ایشان به آن‌ها اشاره شد؛

۳- نظریه تئوری سنت‌های تاریخی در قرآن که مدعی اثبات قانون‌مندی تاریخ از دیدگاه قرآن است به لحاظ استدلال به مدلول مطابقی، تضمنی و منطوقی آیات، و به لحاظ ظهور و نصوص آیات، نظم منطقی لازم و روش منسجمی ندارد؛

۴- بسیاری از آیاتی که شهید صدر با استناد به آن‌ها تئوری سنت تاریخی و قانون

تاریخی از دیدگاه قرآن را اثبات می‌کند، به لحاظ تخصصی و موضوعی از جایگاه بحث و تعلق موضوع، خارج بوده و محل نزاع و بحث را رعایت نکرده است؛

۵- حتی از دلالت التزامی مفاد آیات و دلالت مفهومی آیات، رابطه‌ای منطقی و علمی برای اثبات قانون مندی تاریخ و قانون مداری و تاریخ مداری تاریخ ارائه نمی‌کند؛

۶- اشکال عمده دلایل ایشان عدم سنخیت و مطابقت بین دلیل و مدعاست و بسیاری از ادله ایشان در اثبات قانون تاریخی قرآن اعم از مدعاست.

البته آن چه در نتیجه‌گیری ذکر شد به معنای نفی اعتبار قانون و ضوابط در پدیده‌های تاریخی از دیدگاه قرآن نیست، بلکه ادله و آیات مورد مستند ایشان دلالت بر این معنا (قانون مندی تاریخ) ندارد. ثبوت قانون مندی تاریخ در قالب و ساختار کلان کلی و مصداقی، اثبات صفات و ویژگی‌های علمی سنن تاریخی و بیان چهره و شکل قضایای سنن تاریخی در قرآن براساس دلالت التزامی و دلالت مفهومی آیات امکان‌پذیر به نظر می‌رسد، لکن نیازمند مطالعه و پژوهش عمیق و روش‌مند و نظام‌مند در آیات قرآن کریم است و آن چه صرفاً نقل شد بیان عدم ثبوت قانون تاریخی براساس تئوری سنت تاریخ شهید صدر است.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ادواردز، پل، فلسفه تاریخ (مجموعه مقالات)، ترجمه بهزاد سالکی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۷۵.
۳. استفورد، مایکل، درآمدی بر فلسفه تاریخ، ترجمه احمد گل محمدی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۲.
۴. حضرتی، حسن. تأملاتی در علم تاریخ و تاریخ نگاری اسلامی، تهران، انتشارات نقش جهان، ۱۳۸۰.
۵. رادمش، عزت الله، مکتب های تاریخی و تجددگرایی تاریخی، تهران، پیک ستاره دانش، ۱۳۷۹.
۶. سروش، عبدالکریم، فلسفه تاریخ، تهران، حکمت، ۱۳۷۵.
۷. صدر، محمدباقر، المدرسة القرآنیة، مرکز ابحاث و الدراسات التخصصیه شهید صدر، مؤسسة الهدی، ۱۴۲۱ ق.
۸. صدر، محمدباقر، السنن التاریخی فی القرآن، به کوشش شیخ محمدحسن شمس الدین، سوریه، دارالتعارف، ۱۴۰۹ ق.
۹. نوذری، حسینعلی، فلسفه تاریخ، روش شناسی و مکاتب تاریخ نگاری، تهران، طرح نو، ۱۳۷۹.

